

نقش امنیت خطوط مرزی در تأمین اصل ۲۲ ق.ا.ج.ا

ایرج کامکار^۱

چکیده

شاید شاخصه مهم یک حیات اجتماعی سالم در هر جامعه‌ای وجود میزان قابل قبولی از امنیت در آن برای کلیه شهروندان باشد که در پرتو آن می‌توانند به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزمره‌شان بپردازند. دقیقاً به همین خاطر است که هم محققان و هم دولت‌مردان و هم عامه مردم به آن عطف توجه دارند. امنیت یکی از مواهب الهی است که بشر همواره خواستار آن بوده و تمام جوامع انسانی تلاش داشته‌اند با شناخت آسیب‌پذیری‌ها به این خواست دست یافته و از آن پاسداری و حراست نمایند. مناطق مرزی بخصوص شهرهای مرزی از نقاط حساس و استراتژیک بوده و مرزنشینان ساکن در این مناطق نقش مهمی در توسعه و امنیت کشور داشته و کمبودهای بالقوه در تولید فقدان اشتغال ناامنی و نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه عمده‌ترین مشخصه‌ی اقتصادی اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌های چون قاچاق مهاجرت شورش و ناامنی در این مناطق دور از انتظار نیست. کشور ایران دارای مرزهای زیادی با همسایگان خود است که ناامنی آن‌ها نگرانی‌هایی را برای مرزنشینان و دولت مرکزی به وجود آورده است در همین راستا اهمیت نقش امنیت مرزی در روند توسعه کشور و همچنین رعایت اصول قانون اساسی از جمله اصل ۲۲ قانون اساسی که بیان می‌دارد «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» بیش از پیش نمایان می‌گردد. از این رو نگارنده در این تحقیق به نقش امنیت خطوط مرزی در تأمین اصل ۲۲ ق.ا.ج.ا پرداخته است.

واژگان کلیدی: امنیت مرزی، اصل ۲۲ قانون اساسی، امنیت، قانون اساسی

۱. رشته حقوق، گرایش عمومی، مقطع کارشناسی ارشد، www.kamkariraj44@gmail.com

مقدمه

امروزه امنیت ملی یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی هر یک از کشورهاست. امنیت ملی جوهره استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت است و حفظ اهداف دیگر و نیز به وجود آورنده و زمینه‌ساز هر هدف کلی و کلان در کشورها درگرو حفظ و ایجاد این هدف است و راز وجود امنیت ملی داشتن مرزهای مطمئن است (سعادت و زیرکی، ۱۳۹۴). تحولات صورت گرفته در قرن حاضر در عرصه جهانی نظیر جهانی‌شدن، ورود به عصر اطلاعات و پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه تکنولوژی‌ها و فناوری‌های تسلیحاتی و نظامی مرزها همچنان یکی از نقاط اولیه شروع جنگ‌ها و سایر آسیب‌پذیری‌ها نظیر ورود افراد تروریست، مواد مخدر، قاچاق کالا، ورود بیماری‌ها و ... به کشورها هستند. این موضوع سبب شده است که مرزها همچنان به عنوان یکی از مناطق حساس و حائز اهمیت برای کشورها محسوب شود و حکومت‌ها به صورت‌های مختلف سعی در کنترل و مدیریت آن‌ها جهت آسیب‌پذیری کشور در سطوح مختلف ملی و محلی دارند (جان پرور و لسانی، ۱۳۹۲).

مرز نشان‌دهنده پایان سرزمین یک دولت است. سرزمین قلمرو حقوقی و سیاسی جماعات را مشخص نموده و مبین قلمرو حاکمیت و صلاحیت دولت‌هاست. قدرت‌های عمومی حاکم بر کشورها در محدوده سرزمین خود از اختیارات تام و تمام زمامداری برخوردارند و برای مردم ساکن آن ایجاد حق و تکلیف می‌کنند. این زمامداری طبعاً در محدوده مرزهای شناخته‌شده متوقف می‌گردد و بدین ترتیب کشورها از یکدیگر بازشناخته می‌شوند و روابط بین‌المللی در نظمی خاص شکل می‌گیرد (هاشمی؛ ۱۳۷۴، ۶۸). بنابراین یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها پاسداری از مرزهای کشور است تا بدین‌وسیله مردم احساس امنیت نمایند. در مرزها ممکن است به دو صورت از سوی دشمنان ناامنی ایجاد شود، یکی تهاجم تمام عیار در قالب جنگ که غالباً به منظور براندازی رژیم صورت می‌گیرد و دیگر هجوم‌های مقطعی که به شکل یورش‌های ناگهانی و یا شبیخون صورت می‌گیرد و بیشتر جهت ایجاد ترس و وحشت در دل مردمان و سست کردن پایه‌های رژیم می‌باشند که گاه خود مقدمه جنگ می‌باشند.

در سوی دیگر، اصل ۲۲ قانون اساسی برخی از حقوق بشر را در قانون اساسی تعیین و تبیین می‌کند؛ اما در این خصوص چند نکته قابل توجه است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». «حیثیت» به معنای آبرو، اعتبار، شئون اجتماعی و مواردی از این قبیل است. دشنام، توهین، تهمت، بهتان، افشاگری، غیبت، ارائه اطلاعات اشخاص به دیگران از مصادیق تعرض به حیثیت اشخاص است. «جان» به معنای بدن آدمی است و لذا هرگونه ضربه و ضرر زدن به بدن آدمی منع شده است. واژه «مال» به معنای اشیائی است که متعلق به انسان است. هرگونه تصرف در اموال دیگران ممنوع است مگر در مواردی که قانوناً

مجاز دانسته شده است. البته مالکیت نامشروع مورد حمایت نیست. «شغل» همان عمل مستمری است که اشخاص انجام می‌دهند تا از آن طریق بتوانند امرار معاش کنند. محدودیت‌های شغل در قانون مشخص می‌شود. مقصود از «مسکن» محل سکونت اشخاص است. هرگونه تصرف در مسکن اشخاص نیاز به مجوز قانونی دارد. لفظ «حقوق» تمام حقوق را شامل می‌شود. به طور کل اصل اولی بر این است که موارد مذکور در اصل ۲۲ قابل تعرض نیستند، لذا اگر در جایی هم تعرض مجاز دانسته شده، باید تفسیر مضیق شود.

همچنین در قانون اساسی پیرامون واژگان موجود در این اصل توضیحاتی ذکر شده است. برای نمونه اصل ۲۸ قانون و بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی بیانگر محدودیت‌هایی پیرامون شغل افراد می‌باشند و می‌بایست در ذیل اصل ۲۲ قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرند. اصل ۲۲ قانون اساسی در مقام تأسیس اصل و قاعده‌ای است که به شکل عام در قسمت اول اصل بیان شده است. آنچه در ذیل اصل آمده استثنائی بر این قاعده است؛ به عبارت دیگر، اصل بر آزادی افراد و تعرض ناپذیری حقوق ذکر شده برای ایشان در صدر این اصل است. قانون‌گذار عادی در درجه اول و نهاد نگهبان قانون اساسی شورای نگهبان در درجه بعد، باید کاملاً مراقبت نمایند تا استثنائات قانونی وارد بر صدر این اصل، دایره شمول صدر اصل را به گونه‌ای تنگ ننمایند که مصداق «تخصیص اکثر» گردد.

با توجه به مطالب بالا، این پژوهش قصد دارد به بررسی نقش امنیت خطوط مرزی در تأمین اصل ۲۲ ق.ا.ج.ا. بپردازد. از این رو سوال اصلی که این تحقیق درصدد یافتن جواب برای آن است این است که "نقش امنیت خطوط مرزی در تأمین اصل ۲۲ ق.ا.ج.ا. به چه صورتی است؟"

مرز

«مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق با قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و... مانع ایجاد می‌کند» (آلاسدریو درایسدل^۱، ۱۳۷۴، ۱۰۱). مفهومی از بیرون به درون است و خط مشخصی است که جدایی را نشان می‌دهد (تیلور^۲، ۱۳۸۲: ۱۴).

مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحدهای دیگر است و خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند (میرحیدر، ۱۳۸۱، ۱۶۱). مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. در ضمن، وجود همین خطوط است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هر گونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد. خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک

1. Lasdyrv Draysdl, 1374

2. Taylor

واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند؛ بنابراین، مرزها از بحث‌های اصلی و مهم جغرافیای سیاسی به شمار می‌روند. چنانچه منظور از واحد سیاسی حکومت باشد، خطوطی که سرزمین یک حکومت را از حکومت همسایه جدا می‌کند به مرزهای بین‌المللی معروفند (میرحیدر، ۱۳۸۵، ۱۶۱) در میان گونه‌های مختلف مرز، مرز بین‌المللی به این دلیل که در آن بیش از سایر گونه‌ها امکان بروز اختلاف و منازعه سیاسی وجود دارد از اهمیت بیشتری برخوردار است (میرحیدر، ۱۳۸۵، ۱۶۱).

امنیت ملی

امنیت یک مفهوم چندوجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف نظر زبانی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت بر روی امنیت احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی، تأکید دارند. به‌طور کلی به نظر می‌رسد که امنیت یک کالای جهانی است که همه اعضای جامعه سعی می‌کند آن را به دست بیاورند (ماندل و رابرت، ۱۳۸۷، ۲۴).

امنیت ملی در گونه‌های بسیار مختلفی تعریف شده است و هر تعریفی در واقع به بعد تازه آن پرداخته است. به‌صورت کلی تعریف امنیت ملی متناسب به وضع نوین جهانی عبارت است از: دستیابی یک ملت به امکانات و توانمندی‌ها و ابزارهایی که بتواند با تمسک به آن‌ها از تهدیدات خارجی و داخلی در امان بوده و سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بیگانه را دفع کند، از ارزش‌های حیاتی خود در صلح و جنگ دفاع نماید از موجودیت کشور و تمامیت ارضی آن حفاظت کند، سیر صعودی در افزایش قدرت و توان ملی در عرصه‌های مختلف داشته باشد و در راه پیشبرد توده متوازن و پویا و تحکیم وحدت ملی و ارتقای سطح مشارکت سیاسی جامعه موفق باشد (مرادیان، ۱۳۹۰، ۱۸-۱۴).

امنیت از حیث لغوی برابر نهاد Sewvity و الامن و الامان است. در زبان فارسی به ایمن شدن «در امان بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است. (معین، ۱۳۷۵، ۳۴۵) و در گذشته به همین سیاق درباره دستگاه‌های نظامی و انتظامی به کار برده می‌گردیده است (معین، ۱۳۹۱: ۳۵۵). در تعریف امنیت^۱ می‌توان گفت: در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای روبرویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به‌صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به‌کار برده می‌شود. (آشوری، ۱۳۷۸، ۳۸). امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود، هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است. واژه امنیت، ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول شد. بعد از تغییرات مهمی که پس از

1. Mandel & Robert, 1374

2. Security

جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بیشتر کارایی پیدا کند (Leffler, 1984: 246).

آنچه که امروز در مباحث سیاسی، خصوصاً در مباحث سیاست خارجی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد مفهوم امنیت ملی^۱ است نه فقط «امنیت» تنها. امنیت ملی از مفاهیمی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد؛ و یا به عبارت دیگر، امنیت عبارت است از: دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد تا از تهدیدهای بالقوه و یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی - اجتماعی و انسانی و تأمین و حدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ۶۶).

مبنای نظریه امنیت ملی

مفهوم «امنیت ملی» در بستر تاریخی خاص مطرح گردید. با پیدایش دولت‌های ملی در قرن ۱۷ و توجه آن‌ها به بقای خود، «امنیت ملی» اهمیت بیشتری پیدا کرد و تبدیل به بخش مهمی از فلسفه وجودی و حیات دولت شد. مفهوم امنیت ملی با قرار گرفتن در چنین جایگاهی در ارتباط با برداشت رئالیست‌ها از منافع ملی مطرح شده است که منافع ملی را بر اساس قدرت تعریف می‌کنند و آن را مترادف با امنیت ملی می‌دانند و تأیید می‌کنند که صرفاً قدرت می‌تواند تأمین‌کننده منافع ملی باشد در این دیدگاه امنیت ملی معنایی مترادف با قدرت ملی پیدا می‌کند (سیف زاده، ۱۳۷۰: ۱۰۷).

عوامل تهدیدکننده امنیت ملی

عوامل تهدیدکننده امنیت ملی را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته تهدیدات خارجی و تهدیدات داخلی تقسیم کرد. تهدیدات خارجی در دو سطح قابل بررسی است: اول، در سطح سیستم بین‌المللی؛ تهدیداتی چون بی‌ثباتی بین‌المللی، تروریسم بین‌المللی، رقابت اقتصادی جهانی و ... و دوم سطح سیستم‌های منطقه‌ای؛ نظیر بی‌ثباتی مرزی، جنگ میان دو کشور همسایه و ... تهدیدات داخلی نیز می‌تواند شامل بی‌ثباتی، اغتشاش در نظام‌های فرعی، تعارضات قومی و نژادی، مشکلات اقتصادی (افول میزان نرخ رشد، توسعه‌نیافتگی، کاهش میزان بهره‌وری و...)، مشکلات زیست‌محیطی، مسائل فرهنگی و ... باشد. این عوامل می‌توانند بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته باشند و یکدیگر را تقویت یا حتی خنثی نمایند. امنیت ملی، مهم‌ترین اصل در ثبات سیاسی و استقلال یک کشور با یک واحد سیاسی است؛ زیرا بقای هر کشور، تمامیت ارضی و ثبات و استمرار حکومت آن بستگی به امنیت ملی آن کشور دارد. اهمیت این موضوع به حدی است که برخی امنیت ملی را پیش‌شرط تأمین سایر اهداف ملی می‌دانند (بهزادی، حمید، ۱۳۵۲، ۱۰۲).

ویژگی‌ها و مختصات نظریه مجموعه امنیتی

نظریه مجموعه امنیتی نظریه‌ای از پایین به بالاست و می‌کوشد با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاصی مناطق، تصویری جهانی را به دست دهد. بدین ترتیب کل جهان بر روی نقشه‌ای ترسیم می‌شود و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مستقل از یکدیگر اجزای آن را تشکیل می‌دهند، براین اساس نظریه مجموعه امنیتی به مثابه چهارچوب سازمان‌دهی کننده مطالعات تجربی امنیت منطقه‌ای و با محیط‌شناسی امنیتی با سطح تحلیل مسلط منطقه عمل می‌کند؛ و در این تحلیل، ساختار امنیت بین‌المللی بر اساس مناطق است (عبدالله خانی، ۱۳۸۴: ۲۷۸).

مفهوم، ابعاد و حوزه‌های امنیت در اسلام

در فرهنگ قرآنی، امنیت مفهومی وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود و بر الگویی از امنیت تأکید می‌شود که با اقتدار، انسجام، وحدت، ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می‌داند و هرگونه دغدغه، نگرانی و ناامنی در یک بعد را مؤثر در ابعاد دیگر می‌شمارد و هرگونه قوت و قدرت در یک حوزه را منشأ قدرت و اقتدار در حوزه‌های دیگر می‌داند (دری نجف‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۳).

بنابراین مقوله امنیت در اسلام، پدیده‌ای تک بعدی نیست و مواردی متنوع را در خود جای داده است. ابعاد مختلف امنیت از منظر قرآن کریم عبارت‌اند از: امنیت فردی (قرآن کریم برای حفظ امنیت فردی انسان‌ها در حوزه امنیت جانی، حیثیتی، عقیده و امنیت روح و روان، حساسیت زیادی نشان داده و برای حفظ آن، راهکارهایی را ارائه کرده است)، امنیت اجتماعی (شامل یگانگی و یکدلی، خوشبینی، عدالت اجتماعی)، امنیت فرهنگی (درب‌گیرنده خودباوری فرهنگی، همسان‌سازی فرهنگی، حق محوری، شناخت فرهنگ‌های مختلف)، امنیت اقتصادی و امنیت سیاسی که شامل امنیت داخلی و امنیت خارجی است (وطن‌دوست، ۱۳۸۶: ۱۰۲ تا ۱۱۳).

مفهوم امنیت در قرن بیست و یکم

در خلال جنگ سرد (۱۹۴۸-۱۹۸۹)، موضوع اصلی امنیت تنها از بعد نظامی که بر محور جنگ ابزارهای روز بود، مطرح می‌گردید. در این دوران الزامی است تقدم امنیت نظامی در روابط بین‌الملل که از تفکرات اصلی رئالیست‌ها بود بر محافل علمی و مراکز تصمیم‌گیری سیطره داشت و رفتارهای بین‌المللی، جنگ و اتحادها همگی در جهت دستیابی به برتری و موازنه قدرت با رقیبان بود. در این زمان هدف اصلی دولت‌ها احداث تأسیسات نظامی و نیز تلاش برای برتری نظامی در جهت توازن قدرت نظامی و پذیرش وضع موجود بازدارندگی دو سویه بود. در حقیقت سیاست بین‌الملل، صحنه مبارزه برای دستیابی به قدرت در بین دولت‌ها، تبدیل گشته بود اما بعد از سال ۱۹۸۹، تغییرات فراگیری در صحنه بین‌الملل رخ داد. در خلال این مدت، جهان شاهد پایان جنگ سرد، انحلال حالت

دو قطبی، سقوط کمونیسم و تغییر بازیگران اصلی روابط بین‌الملل بوده است. در حقیقت دگرگونی عظیمی در این دوران به وقوع پیوست. از دیدگاه مفهومی به نظر می‌رسد که این دگرگونی سه مرحله داشته است:

* کاهش حاکمیت ملی

* افزایش وابستگی متقابل جهانی

* بالا گرفتن کشمکش‌های پراکنده و بدون نظم (عزتی، ۱۳۸۶، ۷۸).

امنیت در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که حاصل تلاش حق‌طلبانه‌ی ملت مسلمان ایران است، به مسئله‌ی امنیت توجه خاصی مبذول شده است. در اصل بیست و دوم آمده است: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

در اصل یکصد و هفتاد و ششم، تشکیل شورای عالی امنیت ملی را به عنوان یکی از راهکارهای استقرار امنیت ملی بر شمرده است. در اصل سوم، شانزده هدف برای دولت جمهوری اسلامی ایران متذکر شده است که تحقق بندهای ۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۲ و ۱۴ به استقرار امنیت وابسته است. همچنین در اصل بیست و یکم پنج وظیفه برای دولت جمهوری اسلامی ایران بیان شده است که بند اول آن منوط به برقراری امنیت است. و نیز در اصل چهل و سوم برای تحقق استقلال اقتصادی نه راهکار بر شمرده است که تمامی این راهکارها به استقرار امنیت متکی و وابسته است. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص بیان داشت: «در همه‌ی شئون زندگی امنیت یک ضرورت برای انسان است. در دوران عبادت، در دوران سازندگی، در دوران تجارت، هر فعالیتی که انسان بخواهد بکند، محتاج امنیت است.»^۱

اصل ۲۲ قانون اساسی و حقوق بشر

آزادی انسان موهبتی الهی و نعمتی بی‌بدیل از جانب او برای بشر است. بر این اساس اعطاء یا به رسمیت شناختن این حقوق تأثیری در ایجاد آن ندارد و این حقوق که از آن به حقوق ذاتی بشر یاد می‌شود، بالفطره با هر انسانی متولد و تا آخر عمر همراه او باقی خواهند ماند. اصل ۲۲ قانون اساسی برخی از حقوق بشر را در قانون اساسی تعیین و تبیین می‌کند؛ اما در این خصوص چند نکته قابل توجه است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» «حیثیت» به معنای آبرو، اعتبار، شئون اجتماعی و مواردی از این قبیل است. دشنام، توهین، تهمت، بهتان، افشاگری، غیبت، ارائه اطلاعات اشخاص به دیگران از مصادیق تعرض به حیثیت اشخاص است. «جان» به معنای بدن آدمی است و لذا هرگونه ضربه و ضرر زدن به بدن آدمی منع شده است. واژه «مال» به معنای اشیائی است که متعلق به انسان است.

۱. از بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت گرامیداشت هفته‌ی نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۶.

هرگونه تصرف در اموال دیگران ممنوع است مگر در مواردی که قانونی مجاز دانسته شده است. البته مالکیت نامشروع مورد حمایت نیست. «شغل» همان عمل مستمری است که اشخاص انجام می‌دهند تا از آن طریق بتوانند امرار معاش کنند. محدودیت‌های شغل در قانون مشخص می‌شود. مقصود از «مسکن» محل سکونت اشخاص است. هرگونه تصرف در مسکن اشخاص نیاز به مجوز قانونی دارد. لفظ «حقوق» تمام حقوق را شامل می‌شود. به‌طور کل اصل اولی بر این است که موارد مذکور در اصل ۲۲ قابل تعرض نیستند، لذا اگر در جایی هم تعرض مجاز دانسته شده، باید تفسیر مضیق شود. همچنین در قانون اساسی پیرامون واژگان موجود در این اصل توضیحاتی ذکر شده است. برای نمونه اصل ۲۸ قانون و بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی بیانگر محدودیت‌هایی پیرامون شغل افراد می‌باشند و می‌بایست در ذیل اصل ۲۲ قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرند. اصل ۲۲ قانون اساسی در مقام تأسیس اصل و قاعده‌ای است که به شکل عام در قسمت اول اصل بیان شده است. آنچه در ذیل اصل آمده استثنائی بر این قاعده است؛ به عبارت دیگر، اصل بر آزادی افراد و تعرض ناپذیری حقوق ذکرشده برای ایشان در صدر این اصل است. قانون‌گذار عادی در درجه اول و نهاد نگهبان قانون اساسی - شورای نگهبان - در درجه بعد، باید کاملاً مراقبت نمایند تا استثنائات قانونی وارد بر صدر این اصل، دایره شمول صدر اصل را به گونه‌ای تنگ ننمایند که مصداق «تخصیص اکثر» گردد. همچنین توجه به این نکته ضروری است که منظور از واژه «قانون» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به طور خاص در این اصل متنی است که به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد و سپس شورای نگهبان آن را تأیید می‌کند. قانون در علم حقوق معنایی خاص دارد و در نظام حقوقی ایران صرفاً به مصوبات مجلس قانون اطلاق می‌شود که البته می‌بایست به تأیید شورای نگهبان نیز برسد. با این توضیح اثر این اصل این است که موارد تعرض را صرفاً از طریق قانون مصوب مجلس تعیین کرده و به سایر مراجع ضابطه‌گذار مثل دولت صلاحیت تعیین ضابطه در این خصوص را نداده است. این در حالی است که این تصور که دست مجلس قانون‌گذار به موجب این اصل باز گذاشته شده تا هر تعرضی به حقوق ملت را جایز تلقی کند کاملاً اشتباه است و در این خصوص شایان ذکر است که شورای نگهبان هم به استناد این اصل و هم با تمسک به اصول شرعی می‌تواند مانع این قبیل اقدامات احتمالی مجلس شورای اسلامی شود.

اما درباره مصوبات مجلس که بعضاً مغایر با این اصل به تصویب می‌رسند این سؤال اساسی مطرح است که آیا شورای نگهبان حق رد آن‌ها را به سبب مغایرت با اصل ۲۲ قانون اساسی دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد رد این مصوبات توسط شورای نگهبان چندان کار ساده‌ای نباشد؛ زیرا استدلال آن‌ها مبنی بر اینکه مصوبات مجلس «قانون» بوده و مشمول استثناء اصل ۲ یعنی عبارت «مگر به حکم قانون» می‌گردد، ایراد شورای نگهبان با استناد به این اصل را محل اشکال قرار می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد اصل ۲۲ قانون اساسی به هیچ عنوان محدودکننده قانون‌گذار در مقام تقنین نیست و

تنها مربوط به امر قضا و اجرا است و شورای نگهبان نمی‌تواند با استناد به این اصل به قانون مصوب مجلس ایراد بگیرد. در مقابل شورای نگهبان با توجه به چارچوب‌های شرعی، بر مصوبات مجلس در این خصوص نظارت می‌کند و لذا بر مصوباتی که به ناحق متعرض حیثیت، جان، مال و سایر حقوق اشخاص شده‌اند، می‌تواند ایراد شرعی وارد سازد.

ضمانت اجرای امنیت در قانون اساسی

قانون اساسی در تأمین و تضمین حقوق و امنیت فردی، نظریه حاکمیت قانون^۱ را در گسترده‌ترین وجه پذیرفته است. از آنجا که در نظریه حاکمیت قانون، همه قوای حکومتی اعم از قوای مقننه، قضائیه و مجریه باید تابع قانون و هنجارهای حقوقی باشند، قانون اساسی در بحث مربوط به تضمین حقوق و امنیت فردی، به حاکمیت قانون در قانون‌گذاری و اقدامات قضایی، توجه کرده است و شاید به دلیل بداهت موضوع به قوه مجریه اشاره نکرده است.

الف) حاکمیت قانون در قانون‌گذاری برای تضمین امنیت فردی:

قانون اساسی در بیان حقوق فردی همه آنچه را که افراد در ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، باید از آن برخوردار باشند، تحت عنوان حقوق و آزادی بیان کرده است. توجه به اصول مربوط به این موضوع در قانون اساسی گویای آن است که قانون اساسی برخورداری از آن‌ها را به عنوان قاعده و هر آنچه را که لازم بوده، صریحاً به عنوان استثنا نام برده است. این بدان معناست که حق‌ها فقط باید محدود به همان حدودی شوند که در قانون اساسی به آن‌ها اشاره شده است و محدودیت و استثنای بیشتر مجاز نیست و با قانون اساسی مغایرت دارد؛ بنابراین، قوانین مربوط به حق‌های مدنی و سیاسی که قیودی بیشتر از قانون اساسی دارند، با ایراد مغایرت با قانون اساسی مواجه خواهند بود. به همین دلیل، اصل نهم قانون اساسی حتی قانون‌گذار را از قانون‌گذاری برخلاف آن‌ها پرهیز داده است.

ب) حاکمیت قانون در قضاوت برای تضمین حقوق و امنیت فردی:

«در پرتو قانون اساسی، آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین قضایی وظیفه قانونی کردن و متحدالشکل کردن فرآیند قضاوت را برای دستیابی به عدالت صوری بر عهده‌دارند». از آنجا که مهم‌ترین ضمانت اجرا در نظریه حاکمیت قانون، نظارت قضایی است، قانون اساسی این نوع نظارت را به عنوان مهم‌ترین تضمین برای امنیت فردی پذیرفته است، زیرا بعد از بیان نسبتاً مفصل حقوق فردی، در اصل ۳۴ حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه‌های صالح و ممنوعیت جلوگیری از مراجعه به دادگاه‌های قانونی را مطرح می‌کند. یکی از مهم‌ترین گام‌های قانون اساسی برای تضمین حقوق فردی، دادخواهی و لوازم حقوقی مربوط به آن است. حاکمیت قانون در قوه قضائیه، اقتضا

می‌کند که اجرای قانون، در ساختار قوه (بنابر اصل ۱۰۹) و در فرآیند قضاوت و احکام قضایی (بنابر اصول ۱۶۶ و ۱۶۷) الزامی باشد.

امنیت مرزی و اصل ۲۲ قانون اساسی

امنیت مرزی به این معنا که مرزهای جغرافیایی کشور اسلامی از تعرض دشمن مصون باشد. تا بیگانگان نتوانند به جان و مال و حیثیت مسلمانان تعرض نمایند. مسؤولیت اصلی این نوع امنیت بر عهده‌ی نیروهای نظامی است. امام علی علیه السلام در عهدنامه‌ی مالک اشتر درباره‌ی نقش نیروهای نظامی در استقرار امنیت فرمود: «اما سپاهیان و نیروهای مسلح با اذن پروردگار حافظان و پناهگاه رعیت، زینت زمامداران، عزت و شوکت دین و راه‌های امنیت می‌باشند. قوام رعیت جز توسط این گروه ممکن نیست»^۱.

حفاظت از مرزهای سرزمینی هر کشور یکی از مهم‌ترین وظایف و شاید بتوان گفت مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها به شمار می‌رود. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مجموعه نیروهای نظامی و غیرنظامی مسؤولیت این امر خطیر را عهده‌دار هستند. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در راستای وظایف خود و در چارچوب پلیس مرزبانی تأمین امنیت نقاط مرزی را عهده‌دار است. بدین منظور پلیس مرزبانی جمهوری اسلامی ایران وظایفی همچون نظارت بر نصب و مقررات علائم مرزی، بررسی قوانین و مقررات مرزی، رعایت قوانین کشور و قوانین بین‌المللی مرتبط با مرزها و... را بر عهده دارد. اصل ۲۲ قانون اساسی بیان می‌کند که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است و باید برای حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص امنیت برقرار باشد. این نیاز به امنیت وقتی در بستر جامعه قرار می‌گیرد با روابط اجتماعی به مخاطره می‌افتد و لازمه حفظ آن دو چیز است. اول اصل حاکمیت قانون و دوم ضرورت تعریف حریمی برای ایجاد فاصله با دیگران (مانند نواحی مرزی که بین کشورهای تعیین شده) است. قانون بیان‌کننده معیار زندگی فردی و اجتماعی و کتاب و راهنمای سلوک و رفتار متقابل افراد با یکدیگر است. حاکمیت قانون، دارای این حسن اساسی است که حد و مرز حقوق و تکالیف همه شهروندان از پیش معین شده و آن‌ها در انجام اعمال و تنظیم روابط خود، سرگردان و بلا تکلیف نیستند و هر کس می‌داند که چگونه حقوق خود را از تجاوز دیگران مصون دارد.

دومین لازمه ایجاد امنیت، داشتن حریمی امن (امنیت در داخل کشور) و اختصاصی است که مورد حمایت قانون باشد. چرا که لازمه مصونیت حقوق و آزادی‌های مشروع، از تعرض و تعدیات، برقراری فضای ایمن برای این حقوق است. چنانکه در بخش اول ملاحظه شد، تجربیات علمی بسیاری ثابت کرده‌اند که هم انسان‌ها و هم حیوانات برای ایجاد امنیت فردی و جمعی دست به رفتارهای قلمروی می‌زنند و برای خود حوزه‌های اختصاصی فراهم می‌کنند و برای حفظ این حوزه‌ها حتی به نزاع

برمی‌خیزند. این رفتارها به قدری طبیعی است که یکی از دو محور اساسی برای تعریف حریم خصوصی قرار گرفته است. چنانکه در قسمت تعاریف دیدیم حقوقدانان بسیاری، حق بر حریم خصوصی را مصونیت از تجاوزهای دیگران تعریف کرده و یکی از مهم‌ترین کارکردهای حق بر حریم خصوصی را حفظ حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری می‌دانند. به گونه‌ای که در واقع هر نوع تلاشی برای برقراری امنیت فردی موجب بسط حوزه خصوصی و هر گونه تلاشی برای حفظ و گسترش حریم خصوصی موجب افزایش واقعی امنیت و نیز احساس امنیت می‌شود. این دو مفهوم به گونه‌ای با همدیگر مترادف و همسویی مفهومی دارند که در غالب نوشته‌های حقوقی برای اثبات حق بر حریم خصوصی در قانون اساسی، به اصولی استناد می‌شود که راجع به حق بر امنیت فردی و اجتماعی است و به نظر نمی‌رسد این استناد نادرست باشد.

همان طوری که بیان شد امنیت مرزی در داخل کشور یکی از شروط تحقق اصل ۲۲ قانون اساسی است. حدود مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اصطلاحی است که در جغرافیایی سیاسی از آن برای مشخص کردن مرزهای جغرافیایی ایران استفاده می‌شود و مفهوم آن خطوطی است فرضی که محدوده کشور ایران را با کشورهای همسایه تعیین می‌کند. ایران بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر با کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، ترکیه و ارمنستان، جمهوری آذربایجان و عراق مرز مشترک خشکی دارد. ایران همچنین دارای ۲۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان است. ایران طولانی‌ترین مرز را با عراق ۱۴۵۸ کیلومتر و کوتاه‌ترین مرز را با طول ۳۵ کیلومتر با ارمنستان دارد. حفاظت و امنیت این مقدار طولانی از مرزها (قریب ۹۰۰۰ کیلومتر) یک فراست و تاکتیک و استراتژی خاصی می‌طلبد که لازم است قوای نظامی و انتظامی با آخرین تجهیزات تکنیکی و راهبردی در این زمینه مجهز شده و حافظان امنیت مرزهای آبی و خاکی ایران در هر زمینه به عنوان بستر ساز امنیت ملی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه و تفقد خاص قرار گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

امنیت یکی از مواهب الهی است که بشر همواره خواستار آن بوده و تمام جوامع انسانی تلاش داشته‌اند با شناخت آسیب‌پذیری‌ها به این خواست دست یافته و از آن پاسداری و حراست نمایند. مناطق مرزی بخصوص شهرهای مرزی از نقاط حساس و استراتژیک بوده و مرزنشینان ساکن در این مناطق نقش مهمی در توسعه و امنیت کشور داشته و کمبودهای بالقوه در تولید فقدان اشتغال ناامنی و نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه عمده‌ترین مشخصه اقتصادی اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌های چون قاچاق مهاجرت شورش و ناامنی در این مناطق دور از انتظار نیست. کشور ایران دارای مرزهای زیادی با همسایگان خود است که ناامنی آن‌ها نگرانی‌هایی را برای مرزنشینان و دولت مرکزی به وجود آورده است در همین راستا اهمیت

نقش امنیت مرزی در روند توسعه کشور و همچنین رعایت اصول قانون اساسی از جمله اصل ۲۲ قانون اساسی که بیان می‌دارد «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» بیش‌ازپیش نمایان می‌گردد.

در قانون اساسی ایران برای به رسمیت شناختن امنیت شهروندان هم در برابر هیئت حاکمه و هم در برابر سایر شهروندان، اصول عدیده‌ای طراحی و تدوین شده است که مهم‌ترین آن‌ها اصل ۲۲ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». این اصل، عام است و به دنبال تضمین مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، هم در برابر دولت و هم در برابر شهروندان است. در اصل ۲۵ قانون اساسی نیز مصونیت ارتباطاتی شهروندان از هر نوع تجسس و سانسور مقرر شده است. برای تضمین این اصول نیز اصل ۳۴ توسل به حمایت دولتی را با اجرای حق دادخواهی برقرار کرده است. لازمه امنیت فرد در برابر هیئت حاکمه، شناسایی قانونی اصل برائت و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات و رسیدگی به آن‌هاست که به طرز جالبی در اصول عدیده قانون اساسی به این امر پرداخته شده است. شاید دلیل این امر این نکته باشد که قانون اساسی از سوی کسانی نوشته شده است که خود در طی مسیر انقلاب، بارها از هیئت حاکمه سابق زیان دیده و با تمام وجود ناامنی حاصل از رفتار حاکمیت را به عینه دیده بودند. به هر حال این اصول، به دنبال اصل حاکمیت قانون از بازداشت تا اجرای حکم هستند.

امروزه مرزهای سرزمینی در زمره یکی از مهم‌ترین مسائل ملی و بین‌المللی به شمار می‌رود. از منظر فلسفه سیاسی مرزهای جغرافیایی یکی از چهار عنصر اصلی تشکیل دهنده دولت‌های مدرن است. چراکه بدون وجود عنصر سرزمین و مرزهای ملی نمی‌توان دولت ملی مدرن را متصور شد. پس بیراه نخواهد بود اگر دفاع از مرزهای ملی و سرزمینی دولت را مهم‌ترین وظیفه نیروهای نظامی هر کشوری بدانیم. حفاظت از مرزهای دولت اسلامی در زمره یکی از ارکان اصلی دولت اسلامی است، چرا که عدم حفاظت از مرزها و به تبع آن سرزمین‌های اسلامی دشمنان حکومت، جامعه و امت اسلامی را در موضعشان قوی‌تر و در حمله به بلاد اسلامی جری‌تر خواهد کرد و نهایتاً کیان حکومت اسلامی را با خطر مواجه خواهد کرد. بر این اساس است که حفاظت و دفاع از نظام اسلامی همان‌گونه که در احکام اسلامی آمده است وظیفه تک تک افراد جامعه اسلامی است. وظیفه‌ای که هم در قرآن به عنوان مهم‌ترین کتاب و مرجع دینی ما مسلمانان و هم در سایر متون دینی همچون احادیث، روایات و ادعیه بر آن تأکید شده است و نهایتاً اینکه فقها و مراجع تقلید به عنوان منبع و ملجأ فکری، فقهی و معنوی جامعه اسلامی بر آن تاکید کرده‌اند.

از سوی دیگر امنیت انسانی نوعی جهت‌گیری و نگاه به مقوله سیاست‌گذاری و حکومت‌داری است و بر آن است تا مفهوم و مرجع امنیت را به مقولات عینی و انضمامی‌تری همچون انسان و مردم

معطوف کند. رفع نیازهای اولیه انسانی، هراس زدایی از زندگی روزمره بشر و تضمین احترام به منزلت ابتدایی همه انسان‌ها، از جمله اهداف این نگاه است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز گرچه در هنگامه‌ای تدوین و تصویب شد که این مفهوم در ادبیات سیاسی و مطالعات اجتماعی جامعه ما جایی نداشت، اما مرور دوباره و بازخوانی این قانون، نشان می‌دهد جهت‌گیری معطوف به امنیت انسانی در متن آن وجود دارد و بر روح آن حاکم است. این ویژگی می‌تواند به اتکا قانون اساسی جمهوری اسلامی به تجربیات عمده بشری در قالب متون حقوق و آزادی‌های انسانی تعبیر شود، اما سازوکارهای اقتصادی و رفاهی مردم محور در این قانون که کاملاً با چارچوب‌ها و موازین امنیت انسانی مطابق است، فراتر از این تعبیر قرار می‌گیرد و نشان از خودآگاهی قانون‌گذار به ویژگی‌های جامعه اسوه» اسلامی دارد. در مقدمه قانون اساسی، هدف از تدوین آن، «موفقیت در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد»، عنوان شده است. فصل نخست این قانون ذیل عنوان «اصول کلی»، نشان می‌دهد ویژگی اساسی جامعه نمونه اسلامی از دید قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی، تضمین امنیت انسانی یک یک افراد جامعه است و در پرتو این ضمانت است که می‌توان زندگی افراد جامعه را به سوی اهداف عالی اسلامی استعلا بخشید. درعین حال، چون قانون اساسی معطوف به ظرف ملی ایران است، ملاحظات و شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نیز به تمامی پاس می‌دارد، اما آن را مانند مرزها و حدود امنیت انسانی طرح می‌کند نه جانشین یا مزاحم آن.

و در نهایت پیشنهاد می‌گردد:

که پلیس مرزبانی و مرزبان غیور، علاوه بر اطلاع از وظایف و حقوق قانونی خود، بایسته است که از جنبه‌های فقهی و شرعی این حقوق و تکالیف در ارتباط با وظیفه خطیر مرزبانی، آگاهی یابند تا از انضباط معنوی و ارتقای وجدان کاری که غایت اخلاقی کارکنان ناجا است، برخوردار شوند.

مراجع

- ≠ آشوری، محمد، بهمنی قاجار، محمدعلی، (۱۳۷۸)، رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از آزادی و امنیت شخصی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸ شماره ۳۳، ص ۴.
- ≠ بهزادی، حمید، (۱۳۵۹)، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، دهخدا.
- ≠ تیلور، پیتر، (۱۳۸۲)، دولت‌های سرزمینی در شرایط جهانی شدن، ترجمه نسرين نوریان، تهران، دوره عالی جنگ.
- ≠ جان پرور، محسن، لسانی، سبحان (۱۳۹۲)، ساماندهی و به‌کارگیری ساکنین مرزی در مدیریت مرزها با رویکرد پدافند غیر عامل، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران، ۷-۸ آبان، مشهد مقدس.
- ≠ حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، چاپ اول، تهران، سمت.
- ≠ درایسدل، آلاسدير، (۱۳۷۴)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ≠ دری نجف‌آبادی، قربانعلی، (۱۳۷۹)، نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان (ع)، فصلنامه حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ≠ سعادت‌تی، حسن، زیرکی، محمدرضا (۱۳۹۴)، امکان‌سنجی توسعه مرزها و نقش آن بر امنیت مرزی (مطالعه موردی بازارچه مرزی استان خراسان رضوی با افغانستان)، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱-۲۸.
- ≠ سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۸)، اصول روابط بین‌الملل، تهران، نشر دادگستر، میزان.
- ≠ عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۴)، کتاب امنیت بین‌الملل (۳): فرصت‌ها تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ابرار معاصر تهران.
- ≠ عزتی، عزت‌اله، (۱۳۸۶)، نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی، تهران، قومس.
- ≠ مرادیان، فاطمه (۱۳۹۰)، اثر مرزهای دور بر اندرکنش خاک-ساز (پایان‌نامه). تهران، دانشگاه رازی.
- ≠ معین، محمد، (۱۳۹۱)، فرهنگ فارسی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۷.
- ≠ مندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ≠ میرحیدر (مهاجرانی)، دره، (۱۳۸۵)، مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ سیزدهم، تهران، نشر سمت.
- ≠ نهج‌البلاغه، (بی تا)، ترجمه محمد دشتی، تهران، گنجینه.

≠ وطن‌دوست، رضا، (۱۳۸۶)، نگاهی به امنیت در آموزه‌های اسلامی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۵.

≠ هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

≠ هاشمی، محمد، (۱۳۷۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، اصول و مبانی کلی نظام، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

